

## بررسی قرارداد نفت داری براساس اسناد نویافته

ناهید کشتمند<sup>۱</sup>

شمس الدین امرایی<sup>۲</sup>

### چکیده

امتیاز نفت ایران از سوی مظفرالدین شاه در سال ۱۹۰۱م به مدت ۶۰ سال به ویلیام ناکس داری واگذار شد. با اجرای عملیات اکتشاف نفت در منطقه چاه سرخ قصرشیرین و سپس در منطقه مسجد سلیمان، مذاکراتی با شرکت نفت داری صورت گرفت و بدنبال آن در سال ۱۹۰۹م شرکت نفت ایران و انگلیس به ثبت رسید. با وقوع جنگ جهانی اول، شرکت داری سهم منافع ایران را به بهانه بحران اقتصاد جهانی کاهش داد و زمینه اختلاف میان دو دولت را فراهم کرد تا جایی که رضا شاه پرونده نفت را سوزاند. این عمل موجب شکایت شرکت داری به جامعه ملل متحد شد که با رایزنی‌ها و مذاکرات بسیار از جانب شورای ملل بار دیگر دولت ایران و شرکت نفت انگلیس امتیاز نامه‌ی جدید در آوریل ۱۹۲۳ در ۲۷ ماده به تصویب و تأیید مجلس نهم شورای ملی و رضا شاه رساندند. لذا پژوهش حاضر در پی آن است با تکیه بر سندی نویافته عدم پابندی شرکت نفت را به تعهدات خود براساس قرارداد داری تحلیل و بررسی کند.

**واژه‌های کلیدی:** امتیازنامه داری، کتابچی خان، ویلیام داری، مظفرالدین شاه.

۱. Keshmandn@yahoo.com

۱. عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه پیام نور

۲. Shamsedinamraei@yahoo.com

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور

تاریخ دریافت: ۱۹۳/۱۱/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۱/۱۵

## مقدمه

سال‌های اولیه سده بیستم برهه‌ی تحول در روابط دول اروپایی و تشکیل قطب بندهای جدید سیاسی، اقتصادی بود و آنچه موجب تحول بنیادی جهان به ویژه خاورمیانه در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و حتی اجتماعی در قرون اخیر گردیده، کشف ماده‌ای ارزشمند به نام نفت بود، که کشور ایران نیز از آن مستثنی نبوده و به طریق اولی سرآمد دیگر کشورهای نفت خیز جهان هم محسوب می‌شده است. لذا می‌دانیم در آغازین سال‌های شروع قرن بیستم، دولت ایران عصر قاجاریه امتیاز نفت را به تبعه‌ای انگلیسی به نام ویلیام ناکس داریسی واگذار کرد (موحد، ۲۵۹، ۱۳۷۸ و جامی، ۱۳۷۱، ۳۵) که منشاء تحولات و کشمکش‌های بسیاری در تحولات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی شد. شاید هیچ امتیاز دیگری را نتوان یافت که به اندازه امتیاز داریسی در تحولات تاریخ ایران قرن بیستم تأثیرگذار بوده باشد؛ زیرا اقتصاد، صنعت و سیاست بین‌المللی رابطه مستقیمی با نفت داشته و دارد و دگرگونی مربوط به یکی در دیگری نیز اثر گذار است.

آنچه در تدوین و ارائه این مقاله مورد نظر نگارنده می‌باشد؛ شرح مختصری از امتیاز نامه داریسی با استناد به سندی نویافته که توسط سرهنگ ریاضی به ریاست ارگان حرب کل قشون نوشته شده راجع به یک سری مذاکراتی است که بر سر مفاد قرارداد داریسی، بخصوص زمینه‌های الغای آن می‌باشد این سند گواهی بر علنی شدن کثرت نفت جنوب ایران است به طوری که واکنش نویسندگان غربی از جمله ویلیام مارکن نویسنده معروف را برانگیخته است.

مارکن معتقد است که در کنفرانس خلع سلاح می‌تواند برخی مطالب را علیه قرارداد شرکت داریسی به نفع ایران ارائه دهد و حقانیت ایران در برابر این قرارداد را به اثبات



برساند تا جایی که دولت ایران بتواند با در دست داشتن این دلایل، آن قرارداد شوم را لغو نماید و دست دولت‌های انگلیس و روس را از این منبع خدادادی کوتاه کند.

### چگونگی واگذاری، کشف و استخراج نفت ایران

درباره صنعت نفت ایران نوشته‌های بسیار نگاشته شده که شاید برخی از آنها همراه با اغراق بیان شده‌اند که به نظر می‌رسد به واسطه محتوای آثار مذکور بسیاری از مسائل مجهول از زوایای نامعلوم به منظر روشن رخ نمایانده و حقایق نهفته در درون آنها باید با دیدی عمیق و کارشناسانه مورد بررسی قرار گیرد.

در سال ۱۸۹۲م، زمانی که هیئت علمی فرانسویان به ریاست ژاک دمرگان باستان شناس معروف جهت کشف اشیاء عتیقه به ایران آمده بودند، متوجه احتمالی رگه های نفت در شمال غرب و یا به عقیده‌ای دیگر در غرب و جنوب غربی ایران شدند. (شمیم، ۱۳۷۸: ۲۸۹) پس از بازگشت آن هیأت به فرانسه ژاک دمرگان مقاله‌ای درباره احتمالات مذکور در «مجله معادن» یا «سالنامه معادن» پاریس چاپ کرد. (فاتح، ۱۳۳۵: ۲۵۰؛ وزیری، ۱۳۷۹: ۷۲)

ابتدا کسی متوجه این مسئله نشد، اما بعد ادوارت کت منشی سابق بارون دو رویتر اهمیت این مقاله را به مدیرکل گمرک ایران ژنرال آنتوان کتابچی گوشزد کرد، کتابچی نیز با سرهنری و وزیر مختار سابق بریتانیا در ایران برای پیدا کردن یک سرمایه‌دار مشورت کرد. (همان: ۲۵۰)

سرهنری نیز سرمایه‌گذار استرالیایی تبار، ویلیام ناکس دارسی را که در آن زمان برای انجام کارهایی به پاریس آمده بود، به وی معرفی کرد. (لسانی، ۱۳۵۷: ۶۹-۶۵؛ مکی، ۱۳۲۹: ۹-۱ و موحد، ۱۳۷۸: ۲۵) ناکس دارسی پس از اطلاع از این موضوع به لندن مراجعت کرد و هیئتی مرکب از ه. ت. برلز و دستیارش دالفنون را به دربار ایران اعزام نمود تا راجع به معادن نفت تحقیقاتی به عمل آورند. (هوشنگ مهدوی، ۱۳۶۹:



۱۳۰؛ رایت، ۱۳۵۹: ۱۳۰) این گروه پس از بررسی‌های زمین‌شناسی گزارش رضایت بخشی ارائه دادند. آنان احتمال وجود نفت در حوالی قصرشیرین و شوشتر را بسیار و دیگر نقاط کشور را امیدوارکننده اعلام نمودند. (شمیم، ۱۳۷۵: ۲۹۹؛ لسانی، ۱۳۵۷: ۴۴)

جستجوهای آنها مورد بررسی داری و دمرگان قرارگرفت و همین امر سبب گردید که ابتدا نماینده قانونی ویلیام داری به نام ماریوت، سپس خود داری به ایران بیایند. (آوری، ۱۳۶۹: ۳۷۴) و در سال ۱۹۰۱ م امتیاز اکتشاف، استخراج و صدور نفت را پس از مذاکرات و صرف پول‌های هنگفت بین درباریان مخصوصاً امین السلطان صدراعظم مظفرالدین شاه بدست آورد. (لسانی، ۱۳۵۷: ۶۹-۶۵؛ مکی، ۱۳۲۹: ۹)

اولین حفاری در محلی به نام چیا سرخ یا چاه سرخ در شمال قصرشیرین آغاز شد. هرچند کار حفاری به علت فقدان راه و عدم امنیت به کندی پیش رفت ولی نهایتاً در تابستان ۱۹۰۳ م در عمق ۵۰۷ متری به گاز و کمی نفت رسید که باعث شد چاه دومی در همان ناحیه حفر کنند؛ اما داری با ارزیابی نتایج، دریافت که در آن ناحیه سود چندانی عایدش نمی‌شود. پس آن ناحیه را ترک کرد و به خوزستان روی آورد. هیأت با تلاش شبانه روزی در ناامیدی از دستیابی به نفت جنوب، بالاخره موفق به کشف نفت سرشاری در آن منطقه شدند. (کاتوزیان و عزیز، ۱۳۸۴: ۳۲۳)

داری به دولت ایران متعهد گردید که در طرف دو سال شرکت یا شرکت‌هایی برای بهره‌برداری از امتیاز داری تأسیس کند. (روحانی، ۱۳۵۲: ۵۸) و قرار گذاشت سالی بیست هزار لیره وجه نقد و از درآمد نفت صدی شانزده به دولت ایران بپردازد. (نجاتی، ۱۳۶۶: ۱۷؛ کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۹۹) بدین تربیت امتیاز نفت معروف به داری با ۱۸ ماده به مدت ۶۰ سال جهت بهره‌برداری از آن به انگلیسی‌ها واگذار شد. (فاخر، بی تا: ۵۸؛ نجاتی، ۱۳۶۶: ۱۷)

ویلیام دارسی نیز به وسیله مهندسانی که همراه داشت به حفر چاه در مسجد سلیمان و آقاجاری اقدام نمود و اولین چاه نفت در ۲۸ ماه مه ۱۹۰۸م در مسجد سلیمان استخراج گردید. این اولین چاه نفت خاورمیانه بود که در ایران به مرحله تولید رسید و از این تاریخ به بعد با توجه به نیاز مبرم کشورهای صنعتی و دخالت آنها در امور کشورهای نفت خیز به خاطر در اختیار داشتن این ماده حیاتی برای صنعت خود؛ سرنوشت ایران با نفت گره خورد، در تعقیب آن چند چاه نفت دیگر آقاجاری استخراج شد. به هر حال همه آن چاه‌ها مورد استفاده فراوانی واقع گردید و نفت ایران به بسیاری از کشورهای جهان ارسال شد. (شمیم، ۱۳۷۵: ۳۰۳)

قابل ذکر است که ویلیام دارسی در انجام این کار مشکلات بسیاری متحمل شد. او سی هزار لیره انگلیسی به عنوان پیشکش به مظفرالدین شاه و دو هزار سهم به اتابک اعظم، پنج هزار سهم به میرزا حسین خان مشیرالدوله وزیر امور خارجه و پنج هزار سهم به نظام الدین مهندس الممالک وزیر معادن پرداخت تا موفقیت نهایی را به دست آورد. (شیخ نوری، ۱۳۸۶: ۱۵)

از لغو قرارداد و بستن عهدنامه جدید در دوره رضا شاه تا ملی شدن نفت اندک زمانی بعد، از طرف شرکت سابق دارسی که اینک با نام شرکت نفت ایران و انگلیس فعالیت می‌کرد، کارشکنی‌های متعددی به وجود آمد. از جمله عدم سهولت پرداخت درآمد صدی شانزده به ایران که انگلیسی‌ها با توافق قبلی طبق قرارداد امضاء کرده بودند، از طرفی دیگر به اسم اینکه بختیاری‌ها مانع کار آنها شده‌اند در حالی که باید به آنها حقوق بپردازند؛ و یا اینکه مرزداران ایرانی لوله نفت را شکسته‌اند، ادعای غرامت می‌کردند و مبلغی از آنچه که باید طبق قرارداد بپردازند کسر می‌کردند و از درآمدی که قرار بود به دولت ایران پرداخت نماید خودداری می‌نمودند. (روحانی، ۱۳۵۲: ۶۰) تا اینکه رضا شاه در سال ۱۳۱۲ یا ۱۹۳۳م قانون صنعت نفت را با



سوزاندن پرونده قرارداد نفت را ملغی اعلام نمود. (هوشنگ مهدوی، ۱۳۶۸: ۳۸۹-۳۶۸)

به نحوی که موضوع به دیوان داوری لاهه ارجاع داده شده و با اعتراضات و پیگیری‌های مکرر از طرف هر دو دولت، اصلاحاتی در قرارداد نفت به عمل آمد. (آبراهامیان، ۱۳۸۳: ۱۷۹؛ فتاحی، ۱۳۶۷: ۱۷۹) دکتر مصدق در خاطرات خود تحت عنوان «خاطرات و تألمات مصدق» می‌نویسد: سوزاندن پرونده نفت و ملغی اعلام کردن قرارداد داریسی یک صحنه سازی سیاسی و از طرف خود رضا شاه و دولت انگلستان برای تمدید قرارداد بود. (مصدق، ۱۳۶۵: ۱۹۹-۱۹۸)

در حقیقت امتیازنامه در مجلس‌های پس از مشروطه تصویب نشده و به عنوان اینکه قبل از انقلاب مشروطه و از طرف شاه خودکامه واگذار شده همواره می‌توانست زیر سوال قرارگیرد، لذا در سال ۱۹۳۳ م رضاشاه این نقص را برطرف کرد و امتیازنامه را با تغییرات جزئی و نه چندان با اهمیت و حتی به مراتب بدتر از امتیازنامه داریسی برای ایران بود و به تصویب مجلس فرمایشی رسانید. (جوانشیر، ۱۳۵۹: ۳۵) و قرار بر آن شد دولت انگلستان از درآمد نفت به جای صدی شانزده، صدی پنجاه یعنی نصف، نصف به دولت ایران بپردازد، هرچند این اصلاح هم عملی نشد. (علم، ۱۳۷۱: ۷۲-۷۰)

با توجه به اینکه قرارداد به حفظ و استحکام هرچه بیشتر منافع دولت انگلیس معطوف شد و «برای تحمیق مردم چراغانی به راه انداخت» اما از دید مخالفان این قرارداد مذکور بیش از یک مانور سیاسی-اقتصادی تلقی نشد و به تعبیر کاتوزیان قرارداد مورد بحث، شکست مفتضحانه‌ای برای ایرانیان به شمار رفت این بار هم صنعت نفت ایران به نوعی دیگر زیر سیطره استعمار انگلستان قرارگرفت. (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۵۳)



در حالی که مخالفت‌ها و اعتراضات در محافل داخلی در بستر جدیدتری شکل گرفت، جو سرکوب و خفقان آور عصر رضاشاهی به این مخالفت‌ها مجال چندانی برای ابراز وجود نداد و حرکت آنها به آتش زیر خاکستر تبدیل شد، دقیقا پس از عزل رضاشاه از سلطنت و جانشینی فرزندش محمدرضا شاه آن خشم‌های درونی ناگهان شعله‌ور شد و برنامه‌های حکومت پیشین را به باد انتقاد گرفتند که مهم‌ترین مخالفت با فعالیت شرکت نفت ایران و انگلیس و غارت ثروت طبیعی کشور توسط دولت انگلستان بود. (فاتح، ۱۳۳۵: ۳۵۵-۳۵۰) این پروسه با فراز و نشیب‌های شدید سیاسی-اقتصادی ادامه داشت تا اینکه بالاخره در سال ۱۳۲۹هـ. ش صنعت نفت ایران با وجود بحران شدید اقتصادی ایران، ملی اعلام گردید و به صورت یکی از مهم‌ترین رخدادهای قرن بیستم درآمد. (کاظم زاده، ۱۳۷۳: ۳۳۹؛ خامه‌ای، ۱۳۶۹: ۱)

#### سند نویافته بازخوانی شده

محرمانه

مقام محترم ریاست ارکان حرب کل قشون

از تاریخی که کتبرات نفط جنوب علنی گردید مقالات زیادی در جراید خارجه له و علیه تصمیم دولت علیه انتشار و هر اندازه که دسترسی داشت خلاصه به تنظیمات پستی ارسال خدمت نمود. مهم‌ترین مقالات شرحی است که نویسنده معروف سویس ویلیام مارکن که نفوذ زیادی در افکار جامعه دارد.

(ناخوانا) و تعیین تشویریا این قبیل نویسندگان یا بوسیله نشان و یا بوسیله هدایا بی مورد نخواهد بود.

اینک مقاله دیگری را که روزنامه لو در ۱۶ دسامبر درج نموده و علل اقساط عوائد ایران را شرح می‌دهد. بضمیمه تقدیم {ناخوانا} از طرف جامعه ملل نیز مواردی از عملکرد دولت انگلیس را راجع به اقدام این دولت علیه به سواد {امتیاز} نامه داری



جهت اینجانب بمناسبت نمایندگی دولت علیه در کنفرانس خلع سلاح ارسال داشته‌اند و چون پس از مطالعه امتیاز نامه نظریاتی در حقانیت دعاوی ایران پیدا نموده یادداشت‌هایی تهیه نمود تا در موقع ورود نمایندگان ایران کمک فدوی بشود. خلاصه این یادداشت به قرار زیر است که برای استحضار خاطر عالی و عرض آن به مقامات عالیه تقدیم می‌گردد:

۱. مطابق ماده اول کتترات صاحب امتیاز باحق انحصاری که دارد موظف است در تمام خاک ایران تجسساتی درکشف نفت نموده وسایل استخراج و توسعه آن و صدور فروش مشتقات آن را فراهم سازد در صورتی که کمپانی مزبور در این سی ساله عملیات خود را فقط منحصر به غیرچاه در ایالت خوزستان نمود و در سایر معادن ایران به هیچ وجه اقدامی که لازمه استخراج و توسعه و صدور نفت باشد ننموده است قصور این کمپانی عایق که {درون} منابع ثروت ایران بهترین دلیل است که با {نقار} آن بتوان در نقص کتترات با آن متکی شد و عملاً رویه مخالف نص صریح ماده اول می باشد.

۲. ماده دوم کتترات که حق بالانحصار لوله کشی و ساختن کارخانجات تصفیه است می‌رساند که مقصود از این در کتترات مانع شدن از استفاده سایر منابع بوده چون {خودشان} نیز از آن استفاده نموده و حتی کارخانجات را نیز در خارجه ساخته‌اند ضرر وارده به ایران محرز می‌گردد.

۳. ماده ششم که ایالات شمالی را مستثنی نموده می‌رساند که این ماده پس از ماده اول در نتیجه مخالفت روس‌ها اضافه شده و همین مسئله فشار وارده به ایران را از طرف دولتین ثابت می‌نماید.

۴. مطابق ماده ۷ اراضی و محصول نفت از هرگونه مالیات معاف است لیکن این {شرط} مستلزم این نیست که شرکت مالیات بر عایدات را که دولت علیه چندسال





است وضع نموده ندهد و این تخلف نیز بر علیه نص صریح این ماده است و دولت علیه دعوی خسارات وارده را که {ناخوانا} حق است.

۵. مطابق ماده هشتم کمپانی باید تجسسات خود را نموده و در صورتیکه راپرت خبرهای فنی که مساعد باشد شروع به استخراج نفت بنماید {اما} در ایالات دیگری غیر از خوزستان مطابق این ماده رفتار شد در راپورت خبرهای فنی را که به ایران داده‌اند باخبر {اگر} موجب این راپورت‌ها سایر ولایات ایران نفت خیز نبوده است کترات در قسمتی که مربوط به آن ولایات است ساقط و اگر نفت خیز بوده است علت اینکه در این سی ساله استفاده نداده است چیست و خسارات وارده به عایدات مملکتی جبراننش باکیست؟

۶. مطابق ماده نهم کمپانی مجاز است یک یا چند شرکتی برای استفاده از امتیاز تأسیس و شرایط آن را بدولت ایران اطلاع دهد. آیا شرکت کمپانی نفت موصل مبنی بر این ماده است یا خیر اگر مربوط به این ماده است باید دولت ایران را نیز در منافع نفت موصل سهم نمایند و اگر نفت موصل خارج از این امر است به چه مناسبت سرمایه های خود را در حدود ۴۴۰۰۰ در استخراج آن به کار برده است.

۷. مطابق ماده دهم ایران صدی شانزده از منافع این کمپانی و کمپانی های دیگری را که تأسیس خواهد نمود. آیا مطابق این ماده و ماده نهم ما را در کمپانی دیگر سهم و شریک نموده است.

۸. مطابق ماده یازدهم کمیسر ایران می بایستی از طرف کمپانی مورد مشورتش و نماینده ایران باید در بهترین طریق استفاده از امتیازهای شرکت باشد این شرط مستلزم شرکت نماینده ایران در شورای اداره کمپانی و داشتن حق امتناع از تصمیمات می باشد آیا تابحال نمایندگان ایران را در تصمیمات خود شرکت داده‌اند.



مطابق همین ماده کمیسر ایران با توافق نظر صاحب امتیاز قرار تفتیشات لازمه خواهد داد آیا از اداره نماینده ایران تفتیشاتی بعمل آورد و نظامنامه این تفتیشات و اختیارات مفتش در این تصریح شده است.

۹. مطابق ماده دوازدهم تمام کارگردان باید ایرانی باشند و مثلاً مهندسین و سرکارگران ممکن است خارجی انتخاب شوند آیا پس از سی سال که این امتیاز دائر است کارگران ایرانی بقدر هندی ها قابلیت کار را نداشته‌اند که هنوز تست عملی مباشرین هندی اثبات می شود و آیا با کارگران ایرانی همان معامله که با دیگران می شود شده است امنیت رئوس مطالبی که بنظر اینجانب در موقعش تحقیقات از آن مستلزم از جاع تخلفات به حکمیت مطابق ماده ۱۷ بوده است و بوسیله آن دولت می توانست تجدید نظر و یا القای امتیاز را تا به حال درخواست نموده باشد.

به طورمثال عرض می شود که امتیازداری اندازه مشابه قرارداد کشفیات عتیقه جات است که ناصرالدین شاه با انحصار آن را به فرانسه داده و چون بضرر ایران بود اخیراً تبدیل {به} قرارداد دیگری گردید.

سابقه دیگری که باعث الغای قراردادی از یکطرف شد امتیاز بالانحصار تنباکو است که در نتیجه مخالفت ملت

ناصرالدین شاه علنی نمود و خسارات اشیائیکه کمپانی نخریده بود بوی عطا گردید اگر دولت انگلیس خود با خیرخواه ایران بداند بخوبی می تواند همان روبه را که دولت فرانسه در امتیاز عتیقه جات نمود و به کشفیات شوش اکتفا نمود آنها هم بنمایند و بگذارند سایر منابع ثروت سایر اقدامات نیز به کار بیفتد و یا خودشان کنار بیندازند. مثال دیگری که می توان به آن متکی شد معامله ایست که دولت مکزیکی با صاحبان امتیاز نبط نمود و چون آنها بدواً مکزیکی ها را مغبون نموده بودند. دولت مکزیکی

بوسیله وضع قوانین داخلی کمپانی ما را تحت فشارگذارده آنها را ملزم نموده قرارداد اولیه را تغییر داده شرایط بهتری را قبول کنند.

آتاشه نظامی ایران سرهنگ ریاضی [امضا]

مفاد سند محرمانه‌ای که بازخوانی گردیده نشان می‌دهد شرکت طرف قرارداد یعنی شرکت دارسی به هیچ وجه برابر مدلول شرایط کتتراتی خود عمل نکرده و در واقع مرتکب سهل انگاری و سوء استفاده شده است.

از جمله موظف بوده است جهت کشف مواد نفتی در تمام گستره ارضی کشور ایران تجسس‌ات اکتشافی لازمه را معمول داده و در صورت وجود نفت امکانات استخراج، توسعه، صدور و فروش مواد نفتی و مشتقات آن را فراهم نماید، در حالیکه شرکت انجام عملیات موردبحث را فقط و صرفاً منحصر به چند چاه در ایالت خوزستان کرده و در سایر موارد مرتکب قصور بسیار شده این مورد خلاف نص صریح مواد قرارداد بوده و بهترین دلیل بر عدم انجام تعهدات کمپانی است، ضمناً مفاد سایر بندها نیز حاکی است که تصور شرکت مبنای عدم استفاده از مزایا و فرآورده‌های کارخانجاتی خواهند بود که مطابق ماده دوم کتترات می‌بایست در خاک ایران ساخته می‌شد و امر لوله کشی و تصفیه و سایر موارد مرتبت بر آن را در بر می‌گرفت.

در حالیکه علیرغم صراحت موضوع، شرکت دارسی مبادرت به ایجاد کارخانه جات و لزوماً در خاک خارجه کرده است، مفاد ماده ششم قرارداد که پس از قید ماده اول به جهت مخالفت روس‌ها اضافه شده، موجباتی را فراهم آورده تا دولت‌ها بتوانند هرگونه فشار مورد نظر خود را بر دولت ایران اعمال کنند و شاید مراد از دولتین روس و انگلیس بوده است و بر همین مبنا شرکت سعی کرده است تا با استناد به فهم ماده هفتم که اراضی و محصولات نفتی را مشمول پرداخت مالیات ندانسته است،





تفہیم موضوع را به سایر موارد کسری داده و از جمله پرداخت مالیات بر عایدات سر باز زند.

از طرفی شرکت ملزم بوده تا تجسّسات خود را منوط به وجود مواد نفتی در دیگر ایالت های کشور نماید اگر گزارش های اکتشافی وجود نفت و مشتقات آن را تأیید کرده است به چه جهت صرفاً انجام امر در خوزستان صورت گرفته و گزارشی از تجسّسات لازمه در دیگر ایالت های کشور داده نشد، و در هر حال صورت صحت امر وجود مواد نفتی و عدم انجام تعهدات و وظایف طرف قرار داد، شرکت مسئول و ملزم به پرداخت خسارات می باشد.

مطابق ماده نهم شرکت متعهد بوده است یک یا چند شرکت نفتی در جهت اخذ امتیاز و منافع دایر کند اینک چنانچه شرکت نفتی موصل را مضمول این ماده بدانیم، قطعاً ایران بایستی از منافع حاصله از فعالیت های شرکت نفتی موصل بهره مند گردد و اگر ادعای شرکت آن است که تأسیسات نفتی موصل خارج از این قاعده هست، کمپانی به چه حق، سرمایه های خود را در عرصه فعالیت های آن به کار گرفته است و بر این اساس که برابر ماده دهم ایران حق دریافت صدی شانزده از منافع کمپانی ایران و انگلیس و دیگر کمپانی های را که تاسیس خواهد کرد داشته، پرسش این است برابر ماده دهم قرارداد، شرکت ایران را در منافع دیگر کمپانی ها شریک و سهام دانسته است و به همین ترتیب موارد مهم و به حق دیگری مترتب بر مدلول قرارداد با شرکت مرتبط دانسته شده که هر یک خطا، خسارت و قصوری را به ظاهر متوجه کمپانی می کند و لذا چنین موارد مستمسک لازم را درست یا ناصحیح در اختیار رضا شاه قرار می دهد تا بنا به آنچه مخبرالسلطنه در خاطراتش گفته؛ شب زمستان بود و بخاری هیز می روشن، شاه وارد شد، دوسیه نفت را در آن انداخت. بعد از شهریور ۱۳۲۰ که موضوع آن در مجلس مطرح شد، تقی زاده عامل قرارداد خود را در

موضوع قرارداد یا تمدید آن آلت فعل دانست و چنان شد که زمینه‌های ملی شدن صنعت نفت فراهم آمد و در هر حال سند مطروحه می‌تواند یکی از اسناد مورد توجه برای پژوهشگران به حساب آید.





## نتیجه گیری

با توجه به مطالب فوق می توان اینگونه نتیجه گرفت که دلتمردان ایران در زمان قاجار در غفلت و بی خبری از مناسبات جهانی، سرمایه های ایران را به بیگانگان واگذار می کردند. آنها بخصوص در واگذاری قرارداد نفت داری که موضوع این پژوهش هست، بدون توجه به اینکه چه ثروت عظیمی را در اختیار یک تبعه انگلیسی قرار می دهند، فقط برای مبلغ ناچیزی پول آن را واگذار کردند. مظفرالدین شاه نیز بی خبرتر از همه اطرافیانش، هیچ اهمیتی به چگونگی انعقاد این قرارداد نمی داد. شاه همیشه مریض ایران همواره در پی تأمین هزینه سفرهای خارجی خود بود که عمدتاً برای درمان بیماریش انجام می گرفت؛ حتی اگر برآورده شدن این نیاز به قیمت فروش سرمایه های کشور باشد.

تأسف بارتر از آن اینکه حتی وقتی شرکت نفت انگلیسی به تعهدات قرارداد نابرابر خود با ایران عمل نمی کرد شخص لایق و مطلعی در کشور نبود که این تعهدات را به آنها گوشزد کند و حقوق مردم ایران را استیفا نماید. شرکت نفت با اطلاع از ضعف و عدم آگاهی دلتمردان ایرانی هر جور که مایل بود برخلاف مفاد قرارداد عمل می کرد و تعهدات خود را زیر پا می گذاشت. آنها در سال های بعد براساس برنامه های دولت انگلیس که بخشی از سهام شرکت را بازهم برخلاف معاهده خریده بود، شیرهای نفت ایران را در جهت منافع انگلستان باز کردند و کمک شایانی به دولت مطبوع خود در مخاصمات پیش رو انجام دادند؛ بخصوص در دو جنگ جهانی که به گفته بیشتر کارشناسان استفاده دولت انگلستان از نفت ارزان و فراوان ایران یکی از علل پیروزی آنها در این جنگ ها بود.











## منابع

- آبراهامیان، پرواند (۱۳۸۳). ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نی، چ ۱۰.
- آوری، پیتز (۱۳۶۹). تاریخ معاصر ایران، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، ج ۲، تهران: موسسه انتشارات عطایی.
- ابطحی، علیرضا (۱۳۸۴). نفت و بختیاری‌ها، تهران: انتشارات تاریخ معاصر ایران.
- جامی (۱۳۷۱). گذشته چراغ راه آینده است، ویراستار: بیژن نیک بین، ج ۲، تهران: نیلوفر.
- خامه‌ای، انور (۱۳۶۹). اقتصاد بدون نفت، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- رایت، دنیس (۱۳۵۹). انگلیس‌ها در میان ایرانیان، ترجمه لطفعلی خنجی، تهران: امیرکبیر.
- روحانی، فواد (۱۳۵۲). تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران، تهران: فرانکلین.
- شمیم، علی اصغر (۱۳۷۵). ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران: مدبر.
- شیخ نوری، محمد امیر (۱۳۸۶). تاریخ نفت در ایران و خاورمیانه، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- علم، مصطفی (۱۳۷۱). نفت، قدرت و اصول، ترجمه غلامحسین صالحیار، تهران: اطلاعات.
- ف. م جوانشیر (۱۳۵۹). تجربه ۲۸ مرداد نظری بر تاریخ جنبش ملی شدن نفت ایران، تهران: نشر حزب توده ایران.
- فاتح، مصطفی (۱۳۳۵). پنجاه سال نفت در ایران، تهران: شرکت سهامی چهر.
- فاخر، حسین (بی تا). جریان رسیدگی به الغای امتیاز نفت داری، تهران: ابن سینا.

- کاتوزیان، محمد علی (۱۳۸۴). اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: مرکز، چ ۱۱.
- لسانی، ابوالفضل (۱۳۵۷). طلای سیاه یا بلای ایران، تهران: امیرکبیر.
- مصدق، محمد (۱۳۶۵). خاطرات و تألمات دکتر محمد مصدق، تهران: علمی و فرهنگی.
- مکی، حسین (۱۳۲۹). کتاب سیاه، تهران: علمی.
- موحد، محمد علی (۱۳۷۸). خواب آشفته نفت و دکتر مصدق و نهضت ملی ایران، تهران: کارنامه.
- نجاتی، غلامرضا (۱۳۶۶). جنبش ملی شدن صنعت نفت، تهران: شرکت سهامی انتشار، چ ۳.
- وزیری، شاهرخ (۱۳۷۹). نفت و قدرت در ایران، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: موسسه انتشارات عطایی.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۶۸). تاریخ روابط خارجی ایران، تهران: مولف.